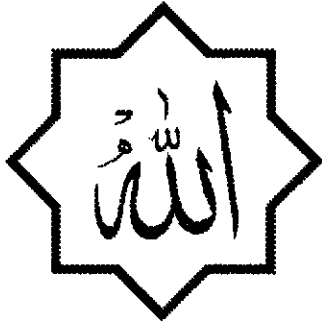


مسأله نماز



طرح یک رویکرد پژوهشی

چرا دانش آموزان در نماز جماعت شرکت نمی کنند؟

حمید لطفی

و «بازنگری در تجارب و بازسازماندهی آنها» در رشد همه ابعاد شناخته شده وجود انسان از اخلاق، شخصیت، عقل و غیره محوریت می یابد.

محصول چنین نگرش و تعلیم و تربیت منطبق با آن انسانی است که در همه ابعاد شناخته شده^۳ رشد یافته است. انسان تربیت نشده موجود زنده ای است که با تمام قدرتش در کویری وانهاد، نه به حریم دیگران حرمتی قایل است و نه به حریم خود. او سراسر مشغله است و هیچگاه وقتی برای پرداختن به خود ندارد هویتش به شماره حساب بانکی و یا شناسنامه اداری خلاصه می شود. از اندک سختی و مشقتی می رمد، تسلیم و بسنده هوا و هوسهایش و سر سپرده قدرت، و آرزومند ثروت و خاضع در مقابل مصنوعات خویش و خلاصه انباشته از ترس و طمع و تشمت و اضطراب، و وانهادگی و پوچی است.

و اما اگر باور این باشد که انسان از طبیعت و استعدادهای خاص تکوین یافته است^۴ و نیز از ماده و روحی پرداخته شده است که استعداد شدن به سمت

مسئول نیست و هر چه هست محصول جبرهای متعدد بیرونی در محیط و روابط بین فردی است. تربیت که به معنای پرورش استعدادهای درونی در ابعاد مختلف و در جهتی متعالی است، محلی از اعراب ندارد و تعلیم - آن هم با برداشتی ماشین گرایانه - بر صدر می نشیند. محصول چنین نگرش و تعلیم منطبق با آن انسانی است سر سپرده مدرک، بالنده به محفوظات، پیرو کورکورانه از دیگران و خرسند از داشتن چند نظریه به اصطلاح علمی عالمان مغرب زمین و انسانی که فقط به منافع محسوس می اندیشد و هر دو چشمش به بیرون و به تعبیر دقیق تر قرآن، به ظواهر دنیوی است.

اما اگر باور این باشد که انسان دارای استعدادهای خاصی است، آنگاه درونداها در صورتی مؤثر و تعیین کننده است که با استعدادهای فرد در هماهنگی باشد بلکه برای شکوفا شدن آن استعدادها و محیط او موکول می شود. نقش معلم از تلقین و ارایه اطلاعات به پرورش و تعلیم قضاوت صحیح، و از انتقال موضوعات و اطلاعات به آموزش شیوه تفکر و تأکید بر روشها ارتقا

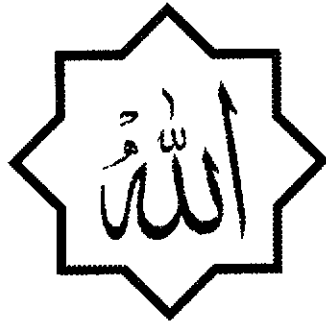
مقدمه

دغدغه انسان شدن و برای دیگران مؤثر بودن، موجب می شود تا آدمی به مقوله تربیت مرییان، تربیت شوندگان، پیوستاریک عمل تربیتی و چگونگی مواجهه با مشکلات تربیتی عنایت ویژه ای داشته باشد.

این نوشتار پاسخی به آن دغدغه است. مضمون آن شامل سه بخش است مفهوم تربیت و تعلیم، غایت تربیت و شرح یک تجربه پژوهشی.

مفهوم تربیت و تعلیم، طرح دیدگاهها:

مفهوم تربیت و تعلیم با نگرش به ماهیت انسان قرابت و نزدیکی و یا نزدیکی تام و تمام دارد. اگر باور این باشد که موجود زنده، میان تهی و یا «جمعه سیاه»^۱ است، آنگاه «درونداها»^۲ به نحو مطلق در شکل دهی وجود انسان نقش تعیین کننده خواهد داشت و تعلیم (آموزش) در نظام مدرسه ای محوریت می یابد و شناخت محیط مقدمه ضروری و بلکه کامل شناخت فرد محسوب می شود. آدمی در این نگرش



أعلى عليين و هم اسفل السافلين^۵ را داراست؛ آنگاه در عرصه تعلیم و تربیت، انسان به عنوان یک موجودی که پیش از تجربه اندوختن و یادگیری، چیز خاصی است، موضوعیت می‌یابد. اصل الاصول تربیتی در این نظام «شدن» به سوی او و «بودن» برای اوست.

محصول چنین نگرش و تربیت و تعلیمی منطبق با آن انسانی است که فقط در مقابل خداوند سر تسلیم فرود می‌آورد و در مقابل غیر او سر عصیان دارد. از هیچ کس نمی‌هراسد. طمع‌ورزی را در خود کشته است و بلکه هر روز در صدد مهار و ضبط نفس است. از دیگران کورکورانه تبعیت نمی‌کند، هوشیار و اهل مراقبه است، خود را به حساب می‌کشد قبل از آنکه او را به حساب بکشند.

به احساس تسهیل در ارتباط خود با خدا خرسند و مسرور است و با کدر شدن این ارتباط، خود را مکدر می‌یابد. یاد خداوند همیشه با او است و هر عملی، احساسی، تفکری، گرایش و عواطفی را برای او خالص می‌گرداند.

این هم تحقق نمی‌یابد مگر با بکارگیری روشهای متناسب با این اهداف. یکی از این روشها «تمرین عبادت» است. تمرین عبادت امری مکانیکی، بدون آگاهی و خالی از ریاضت نیست و ملزومات عقلی، عاطفی، شخصیتی و عملی دقیقی دارد. مهمترین بُعد این تمرین و آن هم در التزام رفتاری آن «نماز» است. «نماز» دو بعد دارد. محتوای آن تحقق اهدافی است که در فوق

اشاره شد. صورت آن همان است که هر روز در موقعیت خاصی به انجام آن مکلفیم. می‌دانیم که مربیان تربیتی در تقویت این رکن، به ویژه در نسل نوجوان سعی و تلاش وافر دارند. ضمناً می‌دانیم که در دبیرستانها نماز جماعت از طرف دانش‌آموزان چندان استقبال نمی‌شود.

توصیف و تبیینی که ذیلاً خواهد آمد شرح یک «تجربه پژوهشی» در پاسخ به آن مسئله است که بارها مشغله ذهنی نگارنده بوده و در پاسخ به آن مسئله جوابی جز سستی اعتقاد نوجوان نمی‌شنیده است ولی از آنجا که این پاسخ هیچ تناسبی با حل این مسئله تربیتی ندارد و راهگشای مربیان نبوده و نیست، پاسخهای تحقیقی فراهم آورده شده تا هم پاسخگوی مشغله نگارنده باشد و هم متصدیان امور را به تصمیماتی بهتر در این باره برانگیزاند.

مسائل و اهداف پژوهش:

در این بخش مسایلی که بر مبنای پژوهش به طور مستقل به آنها پاسخ داده خواهد شد، ذیلاً مطرح می‌شوند:

- ۱ - چه عوامل و دلایلی دانش‌آموزان را به اجتناب از شرکت در نماز می‌کشاند؟
- ۲ - آیا می‌توان عدم شرکت در نماز را با «خلل در مسایل اعتقادی» توجیه کرد؟
- ۳ - چه عوامل و دلایلی از سوی بیشتر دانش‌آموزان - همراه با انتخاب سایر عوامل و دلایل - در تبیین عدم شرکت در نماز مورد انتخاب واقع شده است؟
- ۴ - آیا بین ابعاد مختلف و عوامل

مشکل زا - در اختصاص تعداد عوامل و دلایل به خود - تفاوت وجود دارد؟

۵ - کدام عامل در شرکت دانش‌آموزان برای نماز جماعت مشکلات بیشتری ایجاد می‌کند؟ و آیا بین این عوامل و دلایلی که به خود اختصاص داده‌اند، تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟

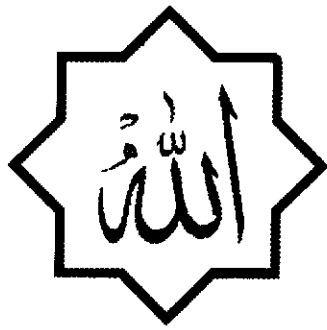
هدف این پژوهش، معطوف شناسایی مجموعه عوامل و دلایلی است که موجب شرکت دانش‌آموزان در نماز جماعت می‌شود.

هدف دیگر این است که عوامل مشکل‌زا و یا موجبات عمده عدم شرکت در نماز شناسایی شود و این که این موجبات هر کدام چه ابعادی را به خود اختصاص می‌دهند. همچنین مشکلاتی را که بیشتر دانش‌آموزان به عنوان یکی از موانع به آن اشاره داشته‌اند مشخص شود.

این پژوهش هدف دیگری را نیز دنبال می‌کند و آن دستیابی به تفاوت‌های معنی‌دار احتمالی است که بین عوامل مختلف در ایجاد موانع وجود دارد. این اقدام برای آگاهی از اهمیت تربیتی آن عوامل ضرورت دارد.

روش پژوهش:

جامعه پژوهش عبارت است از دانش‌آموزان سال اول دبیرستانهای نظام جدید سال تحصیلی ۷۶ - ۷۵ در شهرستان ساری، ناحیه یک و نمونه عبارت از دانش‌آموزان سال اول دبیرستان پانزده خرداد الف در دامنه سنی ۱۶/۵ - ۱۵/۵ و



روش نمونه‌گیری از نوع خوشه‌ای است. و منظور آگاهی از عوامل و دلایل عدم شرکت در نماز جماعت، افراد نمونه در معرض یک پرسش قرار داده شدند، «به نظر شما چرا بیشتر دانش‌آموزان موقع ظهر برای نماز حاضر نمی‌شوند؟»

طرح پژوهش عبارت است از «یک گروهی با یک بار اجرا» و در پاسخ به چهار مسئله اول پژوهش از روشهای توصیفی و در پاسخ به آخرین مسئله از روش استنباطی استفاده می‌شود. (آزمون χ^2 یک نمونه‌ای)

نتایج پژوهش:

موانع، علل و دلایل عدم شرکت در نماز جماعت از سوی افراد آزمودنی و دسته‌بندی آنها در ابعاد مختلف عوامل مشکل‌زا تنظیم شده است: عوامل مشکل‌زا عبارتند از: مدرسه، اجتماع، خانواده، دوستان و خود فرد و هر کدام از این عوامل ابعاد مختلفی را تحت عنوان پیشنهاد، نمازخانه، دستشویی، وقت برای وضو گرفتن، مسائل فرهنگی، تربیتی، ارتباطی، اعتقادی، روان‌شناختی و عوامل و دلایل موقعیتی و شرایط نماز را در برمی‌گیرد. در هر کدام از این ابعاد مصادیق مختلفی مانند: پیشنهاد، نماز را خیلی آرام می‌خواند، نمازخانه کثیف است، وضو گرفتن در مدرسه سخت است، نماز نخواندن والدین، نماز شخصیت فرد را در کنار دوستان پایین می‌آورد، سست بودن اعتقادات، ضرورت جوانی، علاقه‌ای به نماز جماعت نداشتن، ناراحتی بدنی داشتن، جوراب یا لباس

پاره‌ای داشتن، نماز را بلد نبودن و... مطرح می‌شوند.

عوامل مشکل‌زا عبارتند از: مدرسه، اجتماع، خانواده، دوستان و خود فرد و هر کدام از این عوامل ابعاد مختلفی را تحت عنوان پیشنهاد، نمازخانه، دستشویی، وقت برای وضو گرفتن، مسائل فرهنگی، تربیتی، ارتباطی، اعتقادی، روان‌شناختی و عوامل و دلایل موقعیتی و شرایط نماز را در برمی‌گیرد.

در پاسخ به مسایل پژوهشی، نتایج حاصله از سؤال اول نشان می‌دهد که عوامل و دلایل زیادی که اکثریت آنها نیز «غیرعقیدتی» است در اجتناب دانش‌آموزان از نماز جماعت دخالت دارند.

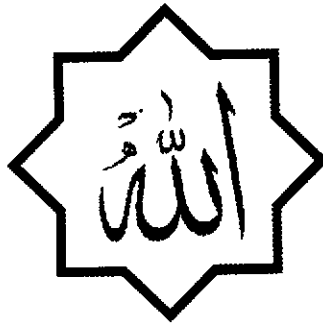
نتایج حاصله از سؤال دوم حاکی از آن است که ذکر ۵۲ علت و دلیل که فقط ۷ مورد آن اعتقادی است - به وضوح نشان دهنده بطلان این فرضیه رایج است. توجه به «مصادیق مشکل» ذکر شده و سهم هر بعد به خوبی آشکار می‌کند که نوجوانان ما دارای دغدغه‌ها و گرایش‌های دینی هستند و درباره به تحقق رساندن عملی آن گرایش‌ها مشغله ذهنی دارند. لیکن از آنجا که در این سنین توانمندی آنها در غلبه بر موانع بیرونی و درونی ضعیف‌تر از جوانان و میان‌سالان است، بنابراین ممکن است به میزان گرایشهای درونی خود، تظاهرات بیرونی و عملی نداشته باشند. وظیفه ماست

که این موانع درونی و بیرونی را برطرف و یا حداقل از شدت آن بکاهیم. در مقابله با این موانع همگان اعم از مدرسه، خانواده و اجتماع مسئولند.

نتیجه به دست آمده از سؤال سه نشان می‌دهد که «نماز را در منزل خواندن» از اهمیت اساسی برخوردار است که این امر می‌تواند یا به علت حضور سایر علل مثل محدودیت‌های مربوط به بعد مدرسه و یا به علت احساس آرامش ناشی از حضور در منزل باشد.

نتایج حاصله از سؤال چهار حاکی از آن است که بعد روانی بیشتر عوامل را به خود اختصاص داده است و در تبیین مسئله عدم شرکت در نماز از اهمیت خاصی برخوردار است. ترتیب سایر ابعاد نیز نشان می‌دهد که در مجموع منشأ فردی در ایجاد مانع، بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است.

در پاسخ به سؤال ۵ می‌توان گفت که بیشتر عوامل و دلایل در ابعاد مربوط به فرد، متمرکز شده‌اند. یعنی از مجموع ۵۲ عامل، ۳۲ عامل و یا ۶۱/۵۳ درصد را شامل می‌شود. این امر از اهمیت ابعاد مربوط به فرد (روان‌شناختی، جسمانی، شرایط موقعیتی و شرایط نماز، شناختی) خبر می‌دهند. ولی برای دست یافتن به یک تفاوت معنی‌دار از آزمون χ^2 (۲) یک نمونه‌ای استفاده شده است. در مقایسه آماری بین پنج عامل نیز، سه عامل دوستان، خانواده و اجتماع به دلیل فراوانی‌های کم و داشتن ماهیت ارتباطی با



یکدیگر ادغام شدند و با دو عامل فرد و مدرسه مورد مقایسه آماری قرار گرفتند. مقدار χ^2 بدست آمده (۱۹/۶۴) و مقدار جدول با $a = 0.01$ و درجه آزادی $df = 2$ برابر (۱۳/۸۲) است. بنابراین با بزرگتر بودن χ^2 بدست آمده، فرضیه صفر رد می‌شود.

بحث و بررسی نهایی

عوامل و دلایل زیادی در حدوث یک رفتار دخالت دارند و چون در استخراج و دست یافتن به آنها در یک جامعه پژوهشی، به دلیل محدودیت‌های مالی، انسانی و زمانی فقط می‌توان در یک نمونه منتخب از آن جامعه کند و کاو کرد، بنابراین موارد مشاهده شده همیشه مساوی تمامی مشاهداتی نیست که می‌توان از خود جامعه داشت. از مجموعه علل و دلایلی را که در این پژوهش به دست آمده بعضی معلل‌اند - یعنی علت‌هایی از درون (مثل انگیزه نداشتن و یا غرور جوانی) و یا علت‌هایی از بیرون (مثل خراب بودن دستشویی و کثیف بودن نمازخانه) بدون خواست فرد او را به اجتناب از شرکت در نماز می‌کشاند. در کاستن علت‌های بیرونی، منابع مالی و سپس مدیریت منابع مالی مؤثر است ولی در تخفیف علت‌های درونی، همکاری مربیان و مشاوران امری ضروری است.

بعضی از آن ماده پاسخها، مدلل‌اند - یعنی فرد برای انجام یا عدم انجام آنها دلیل عقلی دارد. حال ممکن است آن دلیل ضعیف یا قوی باشد. مثلاً کسی که می‌گوید

شرایط نماز خواندن وجود ندارد، و یا در مدرسه وضو باطل می‌شود، برای عدم انجام آن عمل، دلیل می‌آورد.

در این پژوهش وزن بیشتری به علت‌ها اختصاص می‌یابد. یعنی علت‌های بیرونی و درونی در منع دانش‌آموزان برای شرکت در نماز جماعت نقش بیشتری دارند تا دلایل. اهمیت علت‌ها در تبیین این پدیده به ویژه در نسل نوجوان به ما می‌آموزاند که قبل از اقدامات عقیدتی، معرفتی، شناختی باید شرایط را برای ادای فریضه مهیا کرد. به عبارت دیگر، علت‌های بیرونی و درونی را باید در آنها فرو کاست و آنها را در برداشتن آن موانع ناخواسته و نامطلوب عاشقانه یاری داد، تا آن میل نهانی به انجام نماز سربرآورد و شکوفا شود. بعد از برداشتن این موانع و یا همزمان با این عمل است که باید به مسائل معرفتی و عقیدتی پرداخت. در پایان از خداوند می‌طلبیم تا ما را در همه ابعاد حیات متوجه به خود گرداند، عشق ما را به خود برانگیزاند و ما را با اولیاء خود هم‌نشین فرماید. این توجه انحصاری و عشق به او، و هم‌نشینی با اولیای او، **إن شاء الله** توشه‌ای باشد تا در تهذیب خود و تذکر به دیگران موفق باشیم.

پی‌نوشت:

۱ - black box - برای آگاهی از بنیادهای تئوریک «جعبه سیاه» می‌توانید به اثر زیر، و یا کتابهای مربوط به نظریه‌های یادگیری فصل مربوط به آرای اسکینر Skinner

مراجع کنید.

بی.اف. اسکینر، فراسوی آزادی و شأن. سیف، علی اکبر، تهران: انتشارات رشد، ۱۳۷۰.

2 - input

۳ - دست یافتن به «همه» یا «کل یک پدیده» به لحاظ روش شناختی امری محال است. در اینجا اگر از آن اقلیتی که با سرچشمه حکمت مرتبط بودند صرف نظر کنیم باید گفت فعالیت علمی - آن هم به معنای تجربی - امری گزینشی است. و نه تنها به دلیل محدودیت در روش گزینش همه ابعاد، امکان‌پذیر نیست بلکه ادعای شناخت همه ابعاد یک پدیده و رسیدن به یک نقطه‌ای که شناختی افزونتر امکان‌پذیر نباشد نیز با روند رو به رشد علم منافات دارد.

۴ - اشاره به آیات ۲۸ و ۲۹ سوره حجر است: و آنگاه که پروردگار به فرشتگان عالم اظهار فرمود که من بشری از ماده گل ولای کهنه متغیر خلق خواهم کرد. پس چون آن عنصر را معتدل بیارایم و در آن از روح خویش یدم همه بر او سجده کنید.

۵ - اشاره به آیات ۴ و ۵ سوره تین است که ترجمه آن چنین است: که ما انسان را در احسن تقویم بیافریدیم. سپس به اسفل السافلین برگردانیدیم.

۶ - اشاره به آیه ۳۶ سوره اسراء که ترجمه آن چنین است: از آنچه به آن علم نداری پیروی مکن که چشم و گوش و دلها همه مسئولند.